



## ***Cultural Manifestation In The Analysis Of Social Studies And The Shared Semantic Structure Of Ferdowsi's Shahnameh And Iranian Garden Architecture with A Focus On Greimasian Theory***

Narges Aboutaleb<sup>1</sup>, Ali Asgharzadeh<sup>2\*</sup>, Vajihe Torkamani Barandozi<sup>3</sup>, Amir Hashem Poormafi<sup>4</sup>

(Received Date: 2024/08/23 - Accepted Date: 2024/12/30)

### **Abstract**

The studies in the social and cultural domain reveal that Ferdowsi's Shahnameh and the Iranian Garden, as key symbols of Iranian culture and civilization, share values, beliefs, and semantic structures shaped over centuries. This research employs Greimas' theoretical framework and social and cultural methods to explore the semantic structure of these two elements. Greimas' semi-structuralist model emphasizes narrative analysis and the recognition of semantic systems, facilitating a comparative examination of the narrative structure of the Shahnameh and the architecture of the Iranian Garden. The study adopts a descriptive-analytical approach to investigate this inquiry, utilizing concepts such as deep and surface structures, actants, and actions to analyze shared principles, including binary oppositions, heroic patterns, and natural symbolisms in these phenomena. The findings indicate that both the Iranian Garden and Ferdowsi's Shahnameh represent spaces of Iranian identity and culture, possessing shared semantic narratives. Through their complex interconnection of nature, mythology, and history, they contribute to the reproduction and transmission of Iran's cultural and social values. Additionally, this study emphasizes that social analyses and cultural interpretations based on Greimasian theory can serve as effective tools for a deeper understanding of fundamental concepts in Iranian classical literary and artistic texts. This is significant for preserving and enhancing Iran's cultural and identity heritage, enriching interdisciplinary research in this field.

**Keywords:** Ferdowsi's Shahnameh, Iranian Garden Architecture, Iranian Culture, Manifestation Of Social & Cultural Studies, Greimasian Theory.

\* This Article Is extracted From The Doctoral Thesis Of 'Narges Aboutaleb', Titled "*Narrative Structures In The Architecture Of The Persian Garden And Semantic Structure Of Ferdowsi's Shahnameh*," Under The Supervision Of 'Dr. Ali Asgharzadeh', & Advisory Of 'Dr. Vajihe Torkamani Barandozi', & 'Dr. Amir Hashem Poormafi',

<sup>1</sup>Ph.D. Student In Architecture, Department Of Architecture, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. eng.n.abt63@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor of Architecture Department, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Corresponding Author): ali.asgharzadeh@iauc.ac.ir

<sup>3</sup> Assistant Professor Of Persian Language And Literature Department, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. v.Torkamani@iaue.ac.ir

<sup>4</sup> Assistant Professor Of Archeology Department, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. hashempoomafi.amir@gmail.com

## تبلور فرهنگ در بررسی مطالعات اجتماعی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و معماری باغ ایرانی با محوریت اجتماع نظریه گرماس

نرگس ابوطالب<sup>۱</sup>، علی اصغرزاده<sup>۲\*</sup>، وجیهه ترکمانی باراندوزی<sup>۳</sup>، امیر هاشم پورماfi<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰)

### چکیده

تبلور مطالعات در حوزه اجتماعی و فرهنگی گویای آن است که شاهنامه فردوسی و معماری باغ ایرانی به عنوان ۲ نماد برجسته فرهنگ و تمدن ایرانی، حامل ارزش‌ها، باورها و ساختارهای معنایی مشترکی هستند که در طول قرون مختلف به صورت هم‌افزا در تاریخ و فرهنگ ایرانی شکل گرفته‌اند. در این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری گرماس و روش‌های مطالعات اجتماعی و فرهنگی، به‌واکوی ساختار معنایی این ۲ عنصر پرداخته شده است. نظریه گرماس به عنوان یک مدل نیمه‌ساختارگرا، باتاکید بر تحلیل روایت و بازشناسی نظام‌های معنایی، امکان بررسی تطبیقی میان ساختار روایی شاهنامه و معماری باغ ایرانی را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این تفحص پرداخته و از مفاهیم کلیدی همچون ساختارهای ژرف و سطحی، کنشگران و افعال، به‌بررسی نحوه تبلور اصول مشترکی نظیر؛ تقابل‌های ۲ گانه، الگوهای قهرمانی و نمادپردازی‌های طبیعی در این ۲ پدیده براساس مستندات مکتوب در ارائه یک تجزیه و تحلیل کیفی-کمی برخوردار است. نتایج حاکی از آن است که معماری باغ ایرانی و شاهنامه فردوسی، هر ۲ به‌عنوان فضای بازنمایی‌کننده هویت و فرهنگ ایرانی، دارای روایت‌های معنایی مشترکی هستند که در پیوندی پیچیده میان طبیعت، اسطوره و تاریخ، به بازتولید و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ایران پرداخته‌اند. در نتیجه، این مطالعه همچنین تأکید دارد که تحلیل‌های اجتماعی و تبیینات فرهنگی از منظر نظریه گرماس، می‌تواند ابزار مؤثری برای فهم بهتر و عمیق‌تر از مفاهیم بنیادین موجود در متون ادبی و هنری کلاسیک اجتماع ایران ارائه دهد. این امر به‌ویژه در راستای حفظ و ارتقای میراث فرهنگی و هویتی ایران، حائز اهمیت است و می‌تواند به غنای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در این زمینه کمک شایانی کند.

**واژگان کلیدی:** شاهنامه فردوسی، معماری باغ ایرانی، فرهنگ ایرانی، تبلور مطالعات اجتماعی و فرهنگی، نظریه گرماس.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «نرگس ابوطالب»، با عنوان «خوانش ساختار روایی در معماری باغ ایرانی و داستان‌های تراژیک شاهنامه فردوسی»، است که به راهنمایی «دکتر علی اصغرزاده»، و مشاوره «دکتر وجیهه ترکمانی باراندوزی»، و «دکتر امیر هاشم پورماfi»، استخراج شده است.

eng.n.abt63@gmail.com

ali.asgharzadeh@iauc.ac.ir

v.Torkamani@iaue.ac.ir

hashempoormafi.amir@gmail.com

۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران.

۲ استادیار گروه معماری، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول):

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران.

۴ استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاداسلامی، چالوس، ایران.

## ۱- مقدمه/بیان مسأله

در تبیین تبلور مطالعات اجتماعی و فرهنگی شاهنامه فردوسی، به عنوان یکی از مهمترین آثار حماسی جهان، نه تنها در ادبیات فارسی بلکه در فرهنگ و هویت ایرانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (علامی، حیدری، ۱۳۹۶: ۱۱۸). این اثر بی‌نظیر، که با تلفیق تاریخ، اسطوره و حماسه خلق شده است، انعکاسی از اندیشه‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه ایران باستان است (فرزین، ۱۳۹۳: ۱۳-۸). از آنجا که روایت‌های شاهنامه به گونه‌ای هنری و پیچیده تدوین شده‌اند، تحلیل و تفسیر آن‌ها از منظرهای مختلف همواره مورد توجه محققان قرار گرفته است (حقایق، سجودی، ۱۳۹۴: ۱۲-۵). در این راستا، یکی از رویکردهای نوین و مهم در مطالعه شاهنامه، می‌تواند بررسی ساختارهای معنایی و روایی آن با استفاده از نظریه‌های نوین ادبی، به ویژه نظریه گرماس تطبیق گردد. چشم‌انداز گرماس، که بر مبنای تحلیل ساختاری و معنایی روایت‌ها شکل گرفته‌اند، ابزارهای تحلیلی مؤثری را برای درک عمق معانی و ساختارهای پنهان در متون ادبی ارائه می‌دهند. به طوری که، با تمرکز بر عملکرد عناصر روایی و نقش‌های معنایی آن‌ها، به تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تری از متن کمک می‌کنند (قنبری عبدالملکی، فیروزیان پوراصفهانی، ۱۳۹۹: ۳۳۱-۳۲۰). به کارگیری این رویکرد در واکاوی شاهنامه می‌تواند به کشف لایه‌های پیچیده‌تر معنایی و روایی این اثر کمک کند و زوایای جدیدی از تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی آن را نمایان سازد (هو شنگی، ۱۴۰۲: ۹۹-۷۹). باغ ایرانی نیز به سان یکی از وجوه برجسته هنر و فرهنگ ایرانی (فاطمی، ۱۴۰۱: ۱۹-۶)، از دیرباز تا به امروز، همواره مورد توجه محققان قرار داشته است. این باغ‌ها نه تنها به عنوان فضاهای زیبایی؛ شناسی-شناختی بلکه به مثابه نمادی از جهان‌بینی و تفکر ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (براتی، آل‌هاشمی، میناتورسجادی، ۱۴۰۱: ۱۵-۶). باغ ایرانی، با ساختار هندسی خاص و تلفیق عناصر طبیعی و معنوی، یک فضای نمادین است که می‌تواند بازتاب‌دهنده جهان‌بینی ایرانی و حتی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این سرزمین باشد (عزیزی قهرودی، عسگری، ۱۴۰۱: ۵۶-۴۵). بررسی ساختار معنایی مشترک میان روایت‌های شاهنامه و باغ ایرانی از منظر نظریه گرماس، فرصتی است برای کشف نقاط تلاقی و هم‌پوشانی در این ۲ عنصر مهم فرهنگی. تحلیل این اشتراکات می‌تواند به درک عمیق‌تری از روابط معنایی و اجتماعی در فرهنگ ایرانی کمک کند و نشان دهد که چگونه این عناصر در گذر زمان توانسته‌اند به طور هم‌زمان به حفظ و انتقال هویت ایرانی بپردازند (ایروانی، حسینی، ۱۴۰۲: ۱۵-۱). تبلور مطالعات اجتماعی و فرهنگی از طریق تحلیل ساختارهای معنایی، ابزاری قدرتمند برای فهم و چگونگی پژواک تبیینات، سندیت و هویت‌های اجتماعی در آثار هنری و ادبی ارائه می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). این گونه مطالعات، به ویژه در مورد شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی، می‌توانند به روشن‌تر شدن روابط میان عناصر مختلف فرهنگی و چگونگی شکل‌گیری و حفظ آن‌ها در اجتماع طی زمان کمک کنند.

به طور مشخص، پژوهش مورد واکاوی با اهداف تحلیل و شناسایی ساختارهای معنایی مشترک در روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی، بر اساس نظریه گرماس، به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است:



چگونه می‌توان با استفاده از نظریه گرماس به تحلیل ساختارهای معنایی مشترک در روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی پرداخت؟ - این ساختارهای معنایی چگونه در انتقال معانی و مفاهیم اجتماعی-فرهنگی نقش دارند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، تحقیق حاضر بر این فرضیه مستقر می‌باشد که روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی دارای ساختارهای معنایی مشترکی هستند که می‌توان با بهره‌گیری از نظریه گرماس به کشف و تحلیل آن‌ها پرداخت. به نظر می‌رسد این ساختارهای معنایی در انتقال معانی و مفاهیم فرهنگی ایرانی نقش به‌سزایی دارند و به شناخت بهتر از چگونگی پیوند میان ادبیات و هنر در ایران کمک می‌کنند. در این خصوص، الگوهای چارچوب تحلیلی که با رویکرد نظریه گرماس و بر پایه مطالعات اجتماعی و فرهنگی طراحی می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری کارآمد در شناخت و تحلیل مفاهیم فرهنگی مورد استفاده قرار گیرند. این پژوهش باهدف طراحی چنین الگوهای تحلیلی، سعی دارد تا با تبیین واکاوی عناصر معنایی مؤثر در روایت‌های شاهنامه و باغ ایرانی، به کشف ساختارهای مشترک میان این ۲ پردازد و راهکارهایی را ارائه دهد که به‌درک عمیق‌تر از فرهنگ ایرانی منجر شود. با توجه به اینکه شاهنامه و باغ ایرانی هر ۲ از عناصر برجسته فرهنگ ایرانی محسوب می‌شوند، واکاوی دقیق این ساختارها و استفاده از یافته‌های این جستار می‌تواند به‌بهبود و تعمیق شناخت از هویت فرهنگی ایرانیان کمک کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از مفاهیم و نظریه‌های موجود در حوزه‌های مطالعات اجتماعی و فرهنگی و ادبی، چارچوبی جامع و کاربردی برای تحلیل و تبیین ساختارهای معنایی مشترک در فرهنگ ایرانی فراهم آورد.

## ۲- تدارکات پژوهش - (مبانی نظری / پیشینه پژوهش)

### ۲-۱- مبانی نظری

❖ **نظریه گرماس و تحلیل فرهنگی:** آلزیر ژولین گرماس<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه نشانه‌شناسی شناخته می‌شود. گرماس، بر این باور است که معناها در ساختارهای روایی از طریق تقابل‌های ۲گانه و ساختارهای پیچیده به‌وجود می‌آیند. او با ابداع مربع معنایی - "Semiotic Square"، روشی برای واکاوی این تقابل‌ها ارائه داد که به‌درک بهتر ساختارهای معنایی در متون کمک می‌کند (Greimas, 1983: 56-66). یکی از مهمترین مفاهیم گرماس، مدل کُنشگر - "Actantial Model" است. در این مدل، هر روایت به‌عنوان یک ساختار عملکردی متشکل از ۶ کُنشگر اصلی تحلیل می‌شود: فرستنده، گیرنده، قهرمان، مخالف، یاریگر، و شیء موردطلب. این مدل به تحلیل ساختارهای داستانی و اجتماعی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این کُنشگران در قالب روایت‌ها به‌ایجاد معنا می‌پردازند (Greimas, 1966: 25). به‌طور خاص نظریه گرماس، به‌طور گسترده‌ای در مطالعات فرهنگی و اجتماعی به‌کار رفته است. محققان از مدل‌های او برای تحلیل متون ادبی، رسانه‌ای، و حتی

پدیده‌های اجتماعی بهره برده‌اند. برای نمونه، در تحلیل روایات تاریخی، ساختارهای معنایی مطرح شده توسط گرماس، به فهم بهتر از چگونگی شکل‌گیری و تثبیت هویت‌های فرهنگی کمک می‌کند (Floch, 2001: 77).

❖ **شاهنامه فردوسی و تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی:** شاهنامه فردوسی، به‌مثابه یکی از بنیادی‌ترین متون حماسی ایران، همواره مورد توجه کاوشگران بوده است. تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی این اثر نشان می‌دهد که شاهنامه نه تنها یک اثر ادبی است بلکه نمادی از مقاومت فرهنگی در برابر تحولات سیاسی و اجتماعی دوران است. این تحلیل‌ها به بررسی چگونگی بازتاب وقایع تاریخی و اسطوره‌های ملی در این اثر پرداخته‌اند (Davis, 2016: 45-69). اسطوره‌ها و نمادهای شاهنامه نقش کلیدی در بازتاب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی دارند. به‌مانند مفهوم «پهلوانی»، و شخصیت‌هایی همچون رستم که نماد قدرت، شجاعت و وفاداری هستند و نشان‌دهنده ایده‌آل‌های اجتماعی دوران فردوسی می‌باشند. این اسطوره‌ها بازتاب‌دهنده تمایلات جمعی و ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ای هستند در برابر مهاجمان خارجی و تغییرات سیاسی ایستادگی کرده‌اند (Ghandeharion, Mousavi, 2019: 146-150). شاهنامه به‌طور عمیقی فرهنگ و هویت ایرانی را بازتاب می‌دهد. فردوسی، با استفاده از روایت‌های حماسی و تاریخی، تلاش کرده است که فرهنگ ایرانی را در برابر تهدیدات مختلف حفظ کند. این متن حماسی، در واقع تصویری از جامعه‌ای است که با تأکید بر ارزش‌های ملی و فرهنگی خود، به دنبال حفظ هویت و استقلال خود بوده است (Hillmann, 2021: 50).

❖ **باغ ایرانی و ساختار معنایی آن:** باغ ایرانی ریشه در نمادهای فرهنگی و اجتماعی در تاریخ ایران است. این باغ‌ها نه تنها مکان‌هایی برای لذت بردن از طبیعت بوده‌اند، بلکه به‌عنوان نمادی از بهشت و هماهنگی بین انسان و طبیعت در فرهنگ ایرانی شناخته می‌شوند. از دیدگاه تاریخی، باغ ایرانی انعکاس مفهوم‌هایی نظیر: عدالت، نظم و تعادل است که از اصول بنیادین فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌رود (Mahmoudi, Farahani, Motamed, Jamei, 2016: 1-9). در تبیین باغ ایرانی، تمام عناصر طراحی به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده‌اند که یک ترکیب هماهنگ و متوازن را به‌وجود آورده‌اند. این باغ‌ها اغلب دارای ۴ بخش اصلی هستند که به‌طور متقارن تقسیم شده‌اند. این الگوی ۴بخشی که به «۴باغ»، معروف است، بازتابی از جهان‌بینی ایرانی است که در آن، جهان به‌عنوان یک کلیت هماهنگ در نظر گرفته می‌شود (همان). باغ ایرانی به‌عنوان یک نماد فرهنگی، نشان‌دهنده ارتباط عمیق میان انسان و طبیعت در فرهنگ ایرانی است. این باغ‌ها، با طراحی دقیق و اصولی خود، تصویری از بهشت موعود را ارائه می‌دهند که نه تنها مکانی برای آرامش جسمی، بلکه فضایی برای تعالی روحی نیز فراهم می‌کند. این مفهوم از باغ در بسیاری از متون ادبی و هنری ایران، از جمله در شاهنامه، مورد استفاده قرار گرفته است (Amani Beni et al. 2021: 1-29).



❖ **ارتباط بین شاهنامه و باغ ایرانی:** شاهنامه و باغ ایرانی هر ۲ نمادهایی از فرهنگ و هویت ایرانی هستند که در قالب‌های متفاوت به بیان ارزش‌ها و مفاهیم مشابه می‌پردازند. در هر ۲، تأکید بر نظم، عدالت، و تعادل به عنوان اصول بنیادین قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، همان‌طور که در شاهنامه مفهوم عدالت در داستان‌های پهلوانان و پادشاهان مطرح می‌شود، در باغ ایرانی نیز این مفهوم از طریق طراحی متقارن و هماهنگ باغ بیان می‌شود (Yusoff Abbas, Nafisi, Nafisi, 2016: 510-515). یکی از مفاهیم مشترک بین شاهنامه و باغ ایرانی، ایده‌آل‌سازی فضا و زمان است. در شاهنامه، روایت‌های حماسی در فضایی آرمانی و خارج از زمان واقعی رخ می‌دهد، که این ایده در طراحی باغ ایرانی نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که فضا به گونه‌ای طراحی شده که تصویر یک بهشت زمینی را به ذهن متبادر کند. این شباهت‌ها نشان‌دهنده یک درک مشترک فرهنگی از جهان است که هم در ادبیات و هم در هنرهای بصری ایران یافت می‌شود. به طور خاص، شاهنامه و باغ ایرانی در شکل‌دهی و تثبیت هویت فرهنگی ایرانیان نقش مهمی داشته‌اند. شاهنامه به عنوان یک متن ادبی، با روایت داستان‌های حماسی و تاریخی، هویت ملی را تقویت کرده است؛ در حالی که باغ ایرانی، به عنوان یک فضای فیزیکی، نمادی از این هویت را در دنیای واقعی به نمایش گذاشته است. این ۲ نماد فرهنگی با بازتاب و تقویت ارزش‌های مشترک، به حفظ و انتقال هویت ایرانی در طول تاریخ کمک کرده‌اند (ورمقانی، ۱۳۹۶: ۳۷-۱۱).

❖ **مطالعات تطبیقی در فرهنگ و اجتماع:** تبیین مطالعات تطبیقی در فرهنگ و اجتماع، به بررسی چگونگی انتقال و بازنمایی مفاهیم فرهنگی در قالب‌های مختلف می‌پردازد. این مطالعات به ویژه در تحلیل ساختارهای معنایی مشترک میان متون ادبی و آثار هنری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. به عنوان نمونه، تطبیق میان ساختارهای معنایی شاهنامه و باغ ایرانی می‌تواند به روشن‌تر شدن شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در این ۲ زمینه کمک کند. رویکردهای مختلفی در تحلیل فرهنگ و اجتماع وجود دارد که هر یک از آن‌ها به شیوه‌ای خاص به تفتیش مفاهیم فرهنگی می‌پردازند. به مثابه، رویکرد ساختارگرایی به دنبال کشف ساختارهای پنهان در متون و آثار فرهنگی است، در حالی که رویکرد تفسیری بر تفسیر معنای این ساختارها در زمینه‌های خاص تأکید می‌کند (ورمقانی، پاکزاد، ۱۴۰۱: ۱۰۰-۸۲). استفاده از نظریه‌های نشانه‌شناسی به مانند نظریه گرماس در این زمینه‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری و انتقال معنا کمک کند.

لـ محقق بر این باور است که در چارچوب نظریه گرماس، مطالعه تطبیقی ساختارهای معنایی می‌تواند به کشف چگونگی عملکرد معانی در متون مختلف منجر شود. طوری که برپایه (جدول ۱)، می‌توان مروری تخصصی بر مبانی نظری پژوهش داشت. در این جدول، به طور ویژه به مفاهیم کلیدی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی کاربردهای نظری و تحلیل‌های تطبیقی مرتبط با نظریه گرماس، شاهنامه، باغ ایرانی و مطالعات تطبیقی پرداخته شده است. این ساختار به منظور ایجاد ارتباطی منسجم بین مفاهیم نظری و موضوعات عملی جستار حاضر طراحی شده است.

جدول ۱: مروری تخصصی بر مبانی نظری پژوهش حاضر - (مأخذ: استنباط نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	آیتم‌ها	موضوعات اصلی	استنباط جزئیات تخصصی
۱	نظریه گرماس و تحلیل فرهنگی	معرفی نظریه گرماس	نظریه نشانه‌شناسی گرماس، با تمرکز بر مربع معنایی و مدل کششگر عشقی، به تحلیل تقابل‌های ۲ تایی و ساختارهای روایی در متون می‌پردازد و در مطالعات فرهنگی نقش بنیادینی دارد.
		کاربرد نظریه در مطالعات اجتماعی و فرهنگی	نظریه گرماس، در تحلیل متون ادبی و اجتماعی، به‌ویژه در کشف ساختارهای معنایی پنهان و تحلیل روایات حماسی و تاریخی، نقش مهمی در فهم فرهنگی و اجتماعی دارد.
۲	شاهنامه فردوسی و تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی	تحلیل ال‌های قبلی از شاهنامه	تحلیل تاریخی-فرهنگی شاهنامه بازتاب وقایع و ارزش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد و به‌عنوان نماد مقلوبت فرهنگی مطرح می‌شود. نقد فرهنگی آن به بررسی نقش اسطوره‌ها و داستان‌های پهلوانی در تثبیت هویت ایرانی می‌پردازد.
		تحلیل اسطوره‌ها و نمادها	تحلیل اسطوره‌شناسی شاهنامه به‌واسطه نمادها و شخصیت‌های پهلوانی به‌مانند رستم، و تأثیر آن‌ها بر ارزش‌های فرهنگی می‌پردازد و تأثیرات اجتماعی این اسطوره‌ها را بر ایده‌آل‌های اجتماعی ایران بررسی می‌کند.
۳	باغ ایرانی و ساختار معنایی آن	تحلیل تاریخی و فرهنگی	مطالعات، تاریخ هنر باغ ایرانی به‌عنوان نماد هماهنگی انسان و طبیعت و تحلیل مفاهیم نظم و تعادل را بررسی می‌کند. باغ همچنین به‌عنوان فضای با معناهای فرهنگی و اجتماعی عمیق تحلیل می‌شود.
		باغ ایرانی به‌عنوان نماد فرهنگی	تحلیل ساختار ۴بخشی باغ ایرانی و ارتباط آن با جهان‌بینی هماهنگ ایرانی و تأثیر آن بر عدالت و نظم، همچنین، بررسی تجلی باغ ایرانی به‌عنوان نماد فرهنگی در ادبیات و هنر.
۴	ارتباط بین شاهنامه و باغ ایرانی	تحلیل تطبیقی ساختارهای معنایی	تحلیل تطبیقی ساختارهای معنایی شاهنامه و باغ ایرانی با تأکید بر مفاهیم نظم، عدالت، و تعادل، و بررسی شباهت‌های فرهنگی و آرمان‌گرایی در هر ۲ حوزه.
		نقش مفاهیم در هویت فرهنگی	بررسی نقش شاهنامه و باغ ایرانی در شکل‌دهی و تقویت هویت فرهنگی ایرانیان، و تحلیل نمادهای مشترک که به تثبیت و انتقال این هویت کمک می‌کنند.
۵	مطالعات تطبیقی در فرهنگ و اجتماع	مروور مطالعات تطبیقی	بررسی تطبیقی در کشف شباهت‌های فرهنگی میان شاهنامه و باغ ایرانی، و تحلیل روش‌های تطبیقی به‌مانند ساختارگرایی و نشانه‌شناسی با مدل‌های گرماس.
		تطبیق رویکردها با نظریه گرماس	تیین نظریه گرماس برای تحلیل ساختارهای معنایی متون و تطبیق آن‌ها با رویکردهای دیگر، و بررسی تأثیر مدل‌های گرماس در درک پیچیدگی‌های معنایی در مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

برای بررسی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی مبتنی بر نظریه گرماس، می‌توان به اندیشه‌ها و نظریات مطرح‌شده در حوزه‌های مرتبط اشاره کرد از جمله: ژولیا کریستوا<sup>۱</sup> با گسترش و بسط نظریه‌های نشانه‌شناسی و بینامتنیت، به‌بررسی ارتباط میان متن‌ها و فضای فرهنگی-اجتماعی می‌پردازد (Kristeva, 1980: 50-89). دیدگاه‌های او در زمینه تحلیل متون ادبی و فرهنگی، به‌ویژه در زمینه معناشناسی و بینامتنیت، می‌تواند به‌درک ساختارهای مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی کمک کند. رولان بارت<sup>۲</sup> یکی از پیش‌روان نشانه‌شناسی مدرن است که با آثارش در حوزه تحلیل نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه در «اسطوره‌شناسی‌ها»، مفاهیمی را معرفی می‌کند (Barthes, 1957:32-63). که می‌توانند به تحلیل فرهنگی و اجتماعی شاهنامه و باغ ایرانی در چارچوب نظریه گرماس کمک کنند. پیر بوردیو<sup>۳</sup> با نظریات خود در مورد سرمایه فرهنگی و میدان‌های فرهنگی، به‌بررسی چگونگی تعامل قدرت و معنا در فرهنگ می‌پردازد (Bourdieu, 1984: 303). نظریات او در زمینه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به‌درک روابط و ساختارهای معنایی مشترک در شاهنامه و باغ ایرانی کمک کند. در واکاوی آلتریر ژولین گرماس، به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه کششگر، گرماس با ارائه مدل‌های نشانه‌شناسی و ساختارگرایی، چارچوبی نظری برای تحلیل‌های ساختاری از متون ادبی و فرهنگی فراهم کرد (Greimas, 1966: 86).

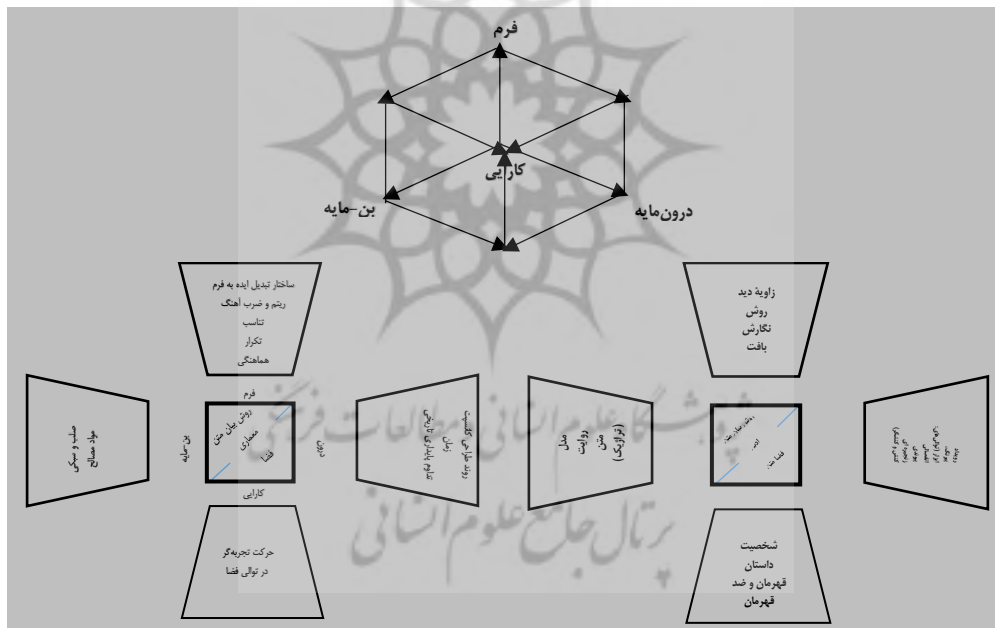


نظریهٔ او به‌ویژه در تحلیل داستان‌های حماسی و نمادهای فرهنگی، همچون شاهنامه و باغ‌ایرانی، می‌تواند بسیار مؤثر واقع گردد. / محمدعلی/ اسلامی ندوشن<sup>۵</sup> به‌عنوان یک پژوهشگر برجسته در زمینهٔ ادبیات فارسی و فرهنگ‌ایرانی، تحلیل‌های عمیقی دربارهٔ شاهنامه و ارزش‌های فرهنگی آن ارائه داده است. نظرات او در تبیین هویت فرهنگی ایرانی و ارتباط آن با شاهنامه می‌تواند به تحلیل ساختارهای معنایی کمک کند (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۶: ۷۹-۶۶). / و نیز محمد دبده/ معمار دبده<sup>۶</sup> در نظریهٔ خود با عنوان «فضا-معنا در بازنمایی هویت ایرانی»، در رابطه با شاهنامه و معماری باغ‌ایرانی هر ۲ به‌عنوان ساختارهای فرهنگی و هنری، با استفاده از عناصر فضایی و مکانی، نظیر: میدان نبرد، باغ، یا کاخ‌ها، به بازنمایی ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در فرهنگ ایرانی می‌پردازند. این فضاها نه تنها زمینه‌ساز وقوع حوادث و داستان‌ها هستند، بلکه خود به‌صورت نمادین، حامل معانی فرهنگی و هویتی‌اند. در این نظریه، فضاهای فیزیکی و معنایی به‌عنوان بستری برای تجلی مفاهیم فرهنگی، به‌مثابهٔ نظم، عدالت و مقاومت در برابر تغییرات اجتماعی، تحلیل می‌شوند. دبده، با بهره‌گیری از رویکردهای نشانه‌شناسی ساختاری گرماس، پیشنهاد می‌کند که این فضاها به‌نوعی کنشگر-“Actant”، تبدیل می‌شوند که نقش فعالی در روایت و همچنین در تثبیت هویت فرهنگی ایفاء می‌کنند. معماری باغ‌ایرانی به‌عنوان یک فضای فیزیکی نمادین، نه تنها محل استراحت و تفریح، بلکه یک مدل ایده‌آل از نظم و تعادل جهانی است که با شاهنامه به‌عنوان یک متن آرمانی از نظم و مقاومت فرهنگی هم‌خوانی دارد (دبده، ۱۴۰۰: ۱۰۵-۹۹). / در این نگاه، هویت ایرانی از طریق این فضاها و روایت‌ها تثبیت و منتقل می‌شود. دبده معتقد است که مطالعهٔ تطبیقی شاهنامه و معماری باغ‌ایرانی از منظر نظریهٔ فضا-معنا، می‌تواند ابعاد جدیدی از چگونگی شکل‌گیری و انتقال هویت فرهنگی در طول تاریخ ایران را روشن کند. این نظریه به‌طور خاص، در تحلیل تطبیقی و بررسی ساختارهای معنایی و نشانه‌شناسی شاهنامه و معماری باغ‌ایرانی، با توجه به بستری‌های تبلور اجتماعی و فرهنگی مختلف، کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم چگونه این ۲ نماد فرهنگی به تثبیت و بازنمایی هویت ملی ایرانیان کمک کرده‌اند.

❖ **تدقیق محقق در بررسی مفهوم روایت‌شناسی در حوزه‌های ادبیات، معماری و نظریه‌پردازی:** روایت‌شناسی به‌عنوان مفهومی که در حوزه‌های ادبیات، معماری و نظریه‌پردازی به کار می‌رود، به تحلیل و بررسی ساختارها و عناصر روایتی می‌پردازد که در این حوزه‌ها بهره گرفته شده‌اند. طوری که می‌توان دیگرام تطبیقی تبلور فرهنگ در خوانش ساختارروایی در معماری باغ‌ایرانی و داستان‌های تراژیک شاهنامه را برپایهٔ (شکل ۱)، منظور داشت. در ادبیات؛ روایت به‌معنای بازگویی رشته‌ای از حوادث واقعی یا خیالی است که به‌صورت یکپارچه در کنارهم قرار می‌گیرند تا داستانی را شکل دهند. ساختارگرایان در این حوزه به‌دنبال کشف روابط علت و معلول بین این حوادث هستند و از ساختارهای روایتی برای تجزیه و تحلیل ادبیات بهره می‌گیرند. به‌عنوان مثال، در آثار تراژیک به‌مانند «شاهنامه»، یک ساختار روایتی تکرار می‌شود که در آن رویدادها با آغاز، میانه و پایان مشخص کنارهم قرار گرفته و انسجامی را شکل می‌دهند که به خواننده امکان درک مفاهیم عمیق‌تری از داستان‌ها را می‌دهد. در معماری؛ نیز روایت‌شناسی به شکل



خاصی مطرح می‌شود و فضاها به‌عنوان عنا صر روایتی دیده می‌شوند که با حرکت و تجربه انسان‌ها در طول زمان معنا پیدا می‌کنند. معماری و ادبیات هر ۲ از ابزارهایی استفاده می‌کنند که با استفاده از آن‌ها، جهان‌های جدیدی ساخته می‌شود. فضاهای معماری به‌منظور «متن‌های روایی»، تعریف می‌شوند که مخاطب در تعامل با آن‌ها، داستانی را تجربه می‌کند. در این فرایند، فضاها تنها محیط‌های فیزیکی نیستند بلکه از طریق روایت فضایی، امکان شناخت کامل از محیط را برای مخاطب فراهم می‌کنند. در نظریه پردازی، روایت، مفاهیم کلیدی به‌مثابه توالی رخدادها، رابطه علت و معلولی و ساختارهای فضایی بررسی می‌شوند. به‌عنوان مثال، معماری ایرانی با بهره‌گیری از مفاهیم روایتی، فضاهایی را خلق می‌کند که هم تعامل انسان با طبیعت و هم مفهوم زیبایی‌شناسی را در خود جای می‌دهد. باغ ایرانی نمونه‌ای است که در آن ساختارهای روایتی به‌وضوح دیده می‌شود، چراکه این فضاها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که داستانی درباره تعامل بین انسان و طبیعت را بازگو کنند. به این ترتیب، روایت شناسی در هریک از این حوزه‌ها به شناخت عمیق‌تری از ساختارهای معنا کمک می‌کند (ابوطالب، ۱۳۹۸: ۶-۴).



شکل ۱: دیاگرام تطبیقی تبلور فرهنگ در خوانش ساختار روایی در معماری باغ ایرانی و داستان‌های ترازیک شاهنامه فردوسی- (مأخذ: ابوطالب، ۱۳۹۸)

## ۲-۲- پیشینه پژوهش

باب وارسی پیشینه پژوهش حاضر، می‌توان منابع تحقیقاتی موردتبیین مرتبط با تحلیل ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و معماری باغ ایرانی را با مطالعاتی که براساس اجتماع نظریه‌کنندگان محور گرامس انجام شده‌اند، شناسایی و تحلیل کرد. این تحلیل‌ها نشان‌دهنده توجه عمیق محققان به



پیوندهای نهفته میان متون ادبی و هنرهای بصری در تبیین مطالعات اجتماعی فرهنگ ایرانی است. به‌طور مشخص، در این بخش به‌برخی از پژوهش‌های انجام‌گرفته پرداخته شده است. برای دسترسی به مطالعات بررسی‌شده و درک جامع‌تر از ارتباطات میان این ۲ پدیده، یک برآیند حاصل از پژوهش‌های پیشین، برپایه (جدول ۲)، ارائه شده است که نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردیده است.

حسین پروین<sup>۷</sup> و حشمت‌الله متدین<sup>۸</sup> (۱۴۰۱): در پژوهش خود با عنوان «خوانش باغ ایرانی در مینیاتور، با تأکید بر مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری»؛ به بررسی تأثیرات باغ سازی ایرانی بر هنر مینیاتور پرداخته‌اند. کمالینکه این تحقیق بر اهمیت باغ سازی به‌عنوان یکی از نمودهای هنری و فرهنگی در ایران تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که این هنر از دوران پیش از اسلام تا دوران اسلامی ادامه داشته و به‌تکامل رسیده است. به‌طور خاص، آنان به چگونگی تجلی باغ ایرانی در مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری پرداخته‌اند. این انتخاب به‌دلیل ارتباط عمیق این مینیاتورها با شاهنامه فردوسی، تصویرگری آن‌ها در یک دوره زمانی مشخص و همچنین یکنواختی در ترسیم و در دسترس بودن مجموعه صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش به‌ویژه بر نقش هنرمند نگارگر در ارائه برداشت خاص از باغ ایرانی تأکید دارند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که هنرمند در مینیاتورها، عناصر باغ را به‌طور گزینشی و با توجه به جزئیات دقیق و فضای کلی باغ به‌تصویر کشیده است. بدین سان، مینیاتور به‌عنوان نمایشی از باغ ایرانی، به‌نوعی گزینش و بازنمایی عناصر طبیعت محسوب می‌شود که به‌دقت و هنرمندانه در این آثار به‌تصویر درآمده است (پروین، متدین، ۱۴۰۱: ۱۹-۶). فضل‌الله حسنونند<sup>۹</sup> در پژوهش خود به‌اتفاق آراء با عنوان «ارتباط اجتماعی خردمندان؛ بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی مبتنی بر شاهنامه فردوسی»؛ به تحلیل و بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی براساس شاهنامه فردوسی پرداخته شده است. این نگرش به‌طور بنیادی و با رویکرد کیفی مبتنی بر روش داده‌بنیاد انجام شده و هدف آن بازتعریف مفهوم ارتباط اجتماعی خردمندان است. در این پژوهش، بیت‌های شاهنامه فردوسی به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شدند و اعتبار الگوی طراحی شده از طریق نمونه‌گیری هدفمند و نظر صاحب‌نظران و پژوهشگران تأیید گردیده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ارتباط اجتماعی خردمندان در شاهنامه فردوسی شامل ۷ خرده مؤلفه اصلی است: ۱. همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران، ۲. گفتار سازنده و اثربخش در ارتباطات بین فردی، ۳. ارتباط رشدگرا و متعادل با افراد نیک، ۴. درک ارزش‌ها و جایگاه خانواده، ۵. کمک‌رسانی و کمک‌طلبی زبانی و عملی، ۶. شجاعت و جرات‌مندی در بیان نظر و عمل درست، و ۷. دغدغه‌مندی و آگاهی اجتماعی. در نتیجه، پژوهش حاکی از آن است که به‌منظور توسعه ابزارهای معتبر و بسته‌های آموزشی برای مهارت‌های ارتباط خردمندان، تمرکز بر ابعاد شناسایی شده در این مطالعه مورد توجه قرار گیرد (حسونند و دیگران ۱۴۰۱: ۳۶-۲۵). محمدعلی محمودی<sup>۱۰</sup> و فاطمه ثواب<sup>۱۱</sup> در کتاب خود با عنوان «ساختار روایی و معنایی متون ادبی (نشانه‌شناسی روایی گریماس)»؛ به‌وارسی ساختارهای روایی و معنایی متون ادبی با استفاده از روش‌های نشانه‌شناسی گریماس نگریسته‌اند. آنان با تحلیل این ساختارها، توانستند به‌درک عمیق‌تری از معانی و روایات درون متون ادبی دست‌یابند.

آن‌ها تلاش می‌کنند تا با تبیین نظریه‌های نشانه‌شناسی، روابط پیچیده میان عناصر مختلف داستانی و معنایی را شنا سایی کرده و تأثیرات آن‌ها بر کلیت متن را تحلیل کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نشانه‌شناسی گریماس به‌عنوان یک ابزار تحلیلی مؤثر، می‌تواند به کشف لایه‌های پنهان معنا و روایات در متون ادبی کمک کند. آنان براین باورند که استفاده از این رویکرد می‌تواند به فهم بهتری از ساختارهای روایی و معنایی در ادبیات منجر شود و نشان می‌دهد که چگونه عناصر مختلف داستانی و معنایی با یکدیگر تعامل دارند و تأثیرات متقابل آن‌ها چگونه به شکل‌گیری معنای کلی متن کمک می‌کند (محمودی، ثواب، ۱۴۰۱: ۱۸-۱۲۴). *الهام سعادت*<sup>۱۲</sup> و *محسن محمدی‌فشارکی*<sup>۱۳</sup> در مطالعه خود باعنوان «واکاوی مفهوم انسان‌شناسانه وطن در شاهنامه (براساس تحلیل ساختارهای مکان)»؛ به تفتیش مفهوم وطن از منظر انسان‌شناسی پرداخته‌اند. این تحقیق تأکید می‌کند که پناهگاه یکی از کهن‌الگوهای بنیادین بشر است که در مفهوم وطن تجلی می‌یابد و به‌عنوان کالبدی برای ظهور جهان‌بینی و ساختار اجتماعی مردمان با ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، زبانی و تاریخی مشترک عمل می‌کند. به‌طورویژه آنان به تحلیل ۲ مؤلفه اصلی برای تعریف وطن پرداخته‌اند: ۱. *اصالت مرز* و ۲. *آنچه درون مرزها*، قرار دارد. این ۲ مؤلفه به‌مثابه؛ زمین، حکومت، و دشمن هستند که هر کدام به‌نوبه خود در شکل‌گیری مفهوم وطن سهم دارند و بسته به الگوی هر دوران تاریخی، اهمیت متفاوتی پیدا می‌کنند. در شاهنامه، ایران و ایرانشهر به‌عنوان وطن‌های اصلی مطرح شده‌اند، اما آمیختگی مکان‌های واقعی و فراواقعی، حکومت‌های اسطوره‌ای و تاریخی و دشمنان مختلف، تشخیص دقیق مفهوم وطن را پیچیده می‌کند. مکان به‌عنوان مهمترین مؤلفه برای تعریف وطن در نظر گرفته شده است. این پژوهش با تقسیم‌بندی، توصیف و تحلیل مکان‌های شاهنامه، به این نتیجه می‌رسد که وطن در شاهنامه، مفهومی ذهنی و جمعی است که شامل حوزه‌ای تمدنی می‌شود. به‌بیانی، وطن به مجموعه‌ای از شهرها و مردمان اطلاق می‌شود که بایکدیگر در اجتماع ارتباط دارند و تحت نظر یک حکومت مرکزی قدرتمند که از آسیب‌های دشمنان محافظت می‌کند، قرار دارند (سعادت، محمدی‌فشارکی، ۱۳۹۹: ۱۷۷-۱۵۵). *حسین سلطان‌زاده*<sup>۱۴</sup> در کتاب خود باعنوان «معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی»؛ به‌موشکافی معماری و شهرسازی دوران پیش از اسلام براساس شاهنامه پرداخته است. وی، بیان می‌کند که معماری - هنری است تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله: اقلیم، جغرافیا، مصالح و فرهنگ قرار دارد و شکل‌گیری هر فضای معماری به این عوامل وابسته است. به‌طورخاص *سلطان‌زاده*، به بررسی مفهوم «فرهنگ معماری»، پرداخته و تأکید می‌کند که این فرهنگ، ریشه در تاریخ سرزمین دارد و در طول زمان به‌طورمشخص تجلی یافته است. او همچنین به اهمیت طرح ۴ ایوانی در معماری ایرانی اشاره کرده و بررسی می‌کند که چگونه این طرح در بناهای مختلف به کار رفته است. وی منابع معماری ایرانی را به ۲ دسته تقسیم می‌کند: ۱. *بناهای برجای مانده* و ۲. *متون ادبی، تاریخی و سفرنامه‌ها*. به دلیل محدودیت منابع مادی، شاهنامه فردوسی به‌عنوان منبع مهم و معتبر برای بررسی معماری پیش از اسلام معرفی می‌شود. و نیز به تحلیل واژه‌های معماری در شاهنامه به‌مانند آنگیر، آتشکده،



و ایوان و همچنین به‌چگونگی استفاده از فضاهایی چون باغ‌ها و کاخ‌ها در این اثر پرداخته است. وی بر آن باور است که شاهنامه اطلاعات مفیدی درباره معماری و شهرسازی دوران پیش از اسلام ارائه می‌دهد و می‌تواند به‌درک بهتر روند توسعه معماری ایرانی در دوره‌های بعدی کمک کند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۰۶).

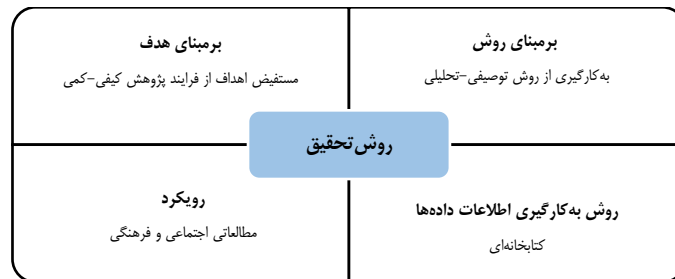
جدول ۲: مقایسه مطالعات پیشین منطبق بر پژوهش حاضر - (مأخذ: استنباط نگارندگان، ۱۴۰۳)

محققان حوزه مطالعه	برآیند نتایج در پژوهش حاضر
حسین پروین و حشمت‌الله متدین کلمات کلیدی تحلی باغ ایرانی در مینیاتور-تأثیر باغ‌سازی ایرانی بر نگارگری-تصویرگری شاهنامه بایستغری	پژوهش پروین و متدین، می‌تواند به فراهم‌آوری زمینه‌های عملی و تحلیلی برای مقاله حاضر کمک کند و تحلیل‌های معنایی و اجتماعی مربوط به باغ ایرانی و شاهنامه را از جنبه‌های هنری و فرهنگی غنی‌تر کند.
فضل‌الله حسونند و دیگران کلمات کلیدی ارتباط اجتماعی خردمندانه-شاهنامه، فردوسی-تحلیل کیفی داده‌بنیاد	واکاوی حسونند و دیگران، می‌تواند به مسیر پژوهش حاضر در مورد ساختار معنایی شاهنامه و باغ ایرانی کمک کند. با فراهم‌آوردن درک عمیق‌تری از ابعاد اجتماعی و فرهنگی شاهنامه، که به تحلیل تعاملات فرهنگی و معنایی میان روایت‌های شاهنامه و طراحی باغ‌ها افزوده می‌شود.
محمدعلی محمودی و فاطمه ثواب کلمات کلیدی نشانه‌شناسی گرماس-ساختار روایی-تحلیل معنایی	برآیند محمودی و ثواب، درباره نشانه‌شناسی گرماس می‌تواند در واکاوی موردتیین با ارائه ابزارهای تحلیلی برای بررسی ساختار معنایی و روایی میان شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی مؤثر واقع گردد. این رویکرد می‌تواند به کشف لایه‌های معنایی و تعاملات پیچیده میان عناصر مختلف در هر ۲ متن کمک کرده و تحلیل جامع‌تری از ارتباطات فرهنگی و اجتماعی را ممکن سازد.
الهام سعادت و محسن محمدی قشارکی کلمات کلیدی مفهوم وطن-ساختارهای مکان-شاهنامه فردوسی	تفحص سعادت و محمدی قشارکی، درباره مفهوم وطن در شاهنامه می‌تواند به جستار حاضر با ارائه بینش‌هایی درباره نقش مکان و مفهوم وطن در روایت‌های شاهنامه و باغ‌های ایرانی مطلوب عمل نماید. تحلیل‌های آنان از مؤلفه‌های مکان و وطن می‌تواند به‌درک بهتر تعاملات معنایی و ساختاری میان این ۲ زمینه کمک کرده و به تحلیل جامع‌تر از ابعاد فرهنگی و اجتماعی در چارچوب نظریه گرماس افزوده شود.
حسین سلطان‌زاده کلمات کلیدی معماری و شهرسازی-شاهنامه فردوسی-فرهنگ معماری	مطالعه سلطان‌زاده، به‌مثابه ارائه تحلیل‌های دقیق از معماری و طراحی فضاها در شاهنامه می‌تواند نمربخش باشد. این تحلیل‌ها به‌درک عمیق‌تری از مفاهیم فضایی و فرهنگی در روایت‌های شاهنامه و باغ‌های ایرانی با استفاده از نظریه گرماس کمک می‌کند.

### ۳- روش پژوهش

شیوه مطالعاتی پژوهش حاضر از نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، بهره‌مند است و به‌بررسی ساختار معنایی مشترک روایت‌های شاهنامه فردوسی و باغ ایرانی با تأکید بر نظریه گرماس می‌پردازد. این تحقیق با استفاده از ۲ پارادایم عمده کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، تحقیق به تحلیل عمیق و توصیفی متن‌های شاهنامه و باغ ایرانی می‌پردازد. داده‌ها از طریق مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی به بررسی ابعاد معنایی، فرهنگی و اجتماعی این متون پرداخته شده است. این بخش به‌درک عمیق‌تری از ساختار معنایی مشترک و روابط فرهنگی میان ۲ متن کمک کرده و با تبیین نظریه گرماس، ساختارهای معنایی و مفاهیم فرهنگی بررسی شده‌اند. در بخش کیفی، داده‌های مربوط به ساختارهای معنایی و فرهنگی با به‌کارگیری از روش‌های آماری تحلیل شده‌اند. این تحلیل‌ها به شناسایی الگوها، روابط و روندهای آماری میان داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته و نتایج کمی به تأیید و تقویت یافته‌های کیفی کمک کرده‌اند. این بخش به ارزیابی دقیق و مقایسه داده‌ها به‌منظور تقویت درک ساختار معنایی مشترک و بررسی صحت نتایج کیفی پرداخته است. به‌طور کلی، این پژوهش با ترکیب رویکردهای کیفی و کمی به بررسی و تحلیل ساختار معنایی مشترک میان روایت‌های

شاهنامه و باغ ایرانی پرداخته و با استفاده از تحلیل‌های جامع، به درک بهتر ابعاد اجتماعی و فرهنگی این متون کمک کرده است. به منظور درک بیشتر می‌توان برپایه (شکل ۲)، فرایند مسیر پژوهش را مدنظر داشت.



شکل ۲: مسیر روش پژوهش حاضر - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

#### ۴- یافته‌های پژوهشی

##### ۴-۱- بررسی تقابل‌های ۲گانه در ساختارهای روایی شاهنامه و باغ ایرانی

تقابل‌های ۲گانه به‌عنوان آغازهای پایه در روایت‌های شاهنامه و طراحی باغ ایرانی، نقش مهمی در بیان مفاهیم پیچیده فرهنگی و فلسفی دارند. در شاهنامه، این تقابل‌ها همچون نبردهای میان خیر و شر، نور و تاریکی، زندگی و مرگ، به‌عنوان محور اصلی روایت عمل می‌کنند و به داستان‌ها عمق و معنا می‌بخشند. این تقابل‌ها اغلب در قالب مبارزات قهرمانان با نیروهای شیطانی یا طبیعت‌های سرکش تجلی می‌یابند و به‌تبلور مفاهیم اخلاقی و انسانی کمک می‌کنند. در باغ ایرانی، تقابل‌های ۲گانه به‌صورت طراحی‌های هندسی و فضایی ظاهر می‌شوند که هماهنگی و تعادل میان عناصر مختلف را به‌نمایش می‌گذارند. برای نمونه، تقارن میان فضای سبز و معماری، یا جریان آب و درختان، نشان‌دهنده تضاد و درعین حال تکامل میان طبیعت و فرهنگ است. این تقابل‌ها در طراحی باغ، حس آرامش و تعادل را القاء می‌کنند و نمادی از تلاش برای ایجاد هماهنگی در دل تضادها هستند. این تقابل‌ها همچنین در هر ۲ اثر به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و فهم جهان عمل می‌کنند. در شاهنامه، تقابل‌های ۲گانه به خواننده کمک می‌کنند تا مبارزات درونی و بیرونی قهرمانان را درک کند و به جست‌وجوی معنای عمیق‌تری در روایات بپردازد. در باغ ایرانی، این تقابل‌ها به بازدیدکنندگان کمک می‌کنند تا از طریق تجربه فضایی، به درک بهتر از طبیعت و تعاملات پیچیده میان عناصر مختلف آن برسند.

##### ۴-۲- نقش الگوهای قهرمانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی

الگوهای قهرمانی در شاهنامه و باغ ایرانی به‌عنوان نمادهایی از ارزش‌ها و فضایل فرهنگی، نقش کلیدی در حفظ و انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی ایفاء می‌کنند. در شاهنامه، قهرمانانی به‌مانند رستم، سهراب و کی‌خسرو به‌سان تجسمات آرمانی فضایل انسانی به‌مثابه شجاعت، وفاداری و عدالت به‌تصویر کشیده می‌شوند. این شخصیت‌ها نه تنها در داستان‌ها بلکه در ذهنیت فرهنگی ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارند



و به جهت الگوهای اخلاقی برای جامعه عمل می‌کنند. باغ ایرانی، هرچند به صورت غیرمستقیم، بازتاب‌دهنده همان ارزش‌ها و الگوهای قهرمانی است. طراحی باغ‌ها اغلب با نمادهایی که به قهرمانان و داستان‌های شاهنامه اشاره دارند، آمیخته شده است. این نمادها می‌توانند به شکل محورهای معمارانه، نقوش فرش‌های کاشته‌شده، یا حتی ترکیب‌بندی فضاهای سبز و حوض‌ها ظاهر شوند. به این ترتیب، بازدیدکنندگان باغ به طور ناخودآگاه با ارزش‌های قهرمانی و فرهنگی که شاهنامه ترویج می‌کند، ارتباط برقرار می‌کنند. نقش این الگوهای قهرمانی در هر ۲ اثر، انتقال یک پیوستار فرهنگی و اخلاقی به نسل‌های بعدی است. درحالی که شاهنامه این ارزش‌ها را از طریق روایت‌های ادبی و داستان‌های حماسی منتقل می‌کند، باغ ایرانی با خلق فضاهایی که این مفاهیم را به صورت بصری و فضایی بازتاب می‌دهند، این روند را تکمیل می‌کند. این هم‌افزایی میان ادبیات و معماری، به تقویت و تثبیت هویت فرهنگی ایرانیان کمک می‌کند.

#### ۳-۴- بازنمایی طبیعت در شاهنامه و باغ ایرانی

بازنمایی طبیعت در شاهنامه و باغ ایرانی، نه تنها به سان یک عنصر زیبایی‌شناسانه، بلکه به عنوان نمادی از مفاهیم عمیق‌تر فرهنگی و فلسفی در فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. در شاهنامه، طبیعت به عنوان یک نیروی زنده و فعال در جهان داستانی عمل می‌کند. بسیاری از روایت‌ها و رویدادهای مهم در شاهنامه در پس‌زمینه‌ای طبیعی رخ می‌دهند که به مانند بستری برای نمایش قهرمانی‌ها و تحولات داستانی عمل می‌کند. از سوی دیگر، باغ ایرانی تلاشی است برای ایجاد یک نسخه کوچک از طبیعت ایده‌آل، که در آن عناصر طبیعی از جمله: آب، گیاهان و سنگ‌ها به طور هنرمندانه‌ای ترکیب شده‌اند تا یک فضای سپند و آرامش‌بخش ایجاد شود. این باغ‌ها با بهره‌گیری از اصول معماری و طراحی خاص، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که طبیعت را نه به عنوان یک عنصر وحشی و غیرقابل کنترل، بلکه به سبب فضایی قابل مدیریت و هماهنگ با فرهنگ انسانی به نمایش می‌گذارند. در هر ۲ اثر، طبیعت همچون یک عنصر فرهنگی بازتاب‌دهنده ارتباط از سان با جهان اطرافش است. در شاهنامه، طبیعت به عنوان عنصر متعادل‌کننده در داستان‌ها حضور دارد که می‌تواند هم یاری‌گر و هم تهدیدکننده باشد. در باغ ایرانی، طبیعت شبیه یک بخش از طراحی معماری، نشان‌دهنده تلاش انسان برای ایجاد هماهنگی و تعادل با محیط اطرافش است. این بازنمایی‌های متفاوت اما مکمل، نشان‌دهنده نقش مهم طبیعت در فرهنگ و هنر ایرانی هستند.

#### ۴-۴- تحلیل ساختارهای معنایی مشترک در شاهنامه و باغ ایرانی

ساختارهای معنایی مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی نشان‌دهنده وجود ارتباطات عمیق فرهنگی میان این ۲ عنصر برجسته هنر و ادبیات ایرانی است. این ساختارها به وسیله استفاده از نمادها، الگوهای روایتی و تصاویر بصری در هر ۲ اثر به خوبی قابل مشاهده هستند. یکی از این ساختارهای معنایی، تأکید بر مفاهیم چون: عدالت، عشق و مرگ است که به صورت نمادین و داستانی در شاهنامه و به صورت طراحی‌های فضایی و نمادهای معمارانه در باغ ایرانی متبلور می‌شوند. در شاهنامه، این ساختارهای معنایی از طریق

داستان‌های پیچیده و شخصیت‌های چندبعدی ایجاد می‌شوند که مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و فلسفی را به مخاطب منتقل می‌کنند. این داستان‌ها، از طریق به‌کار بست نمادها و الگوهای تکرار شونده، به‌عنوان یک کد فرهنگی عمل می‌کنند که به مخاطبان ایرانی اجازه می‌دهند تا به‌صورت مشترک با معانی و پیام‌های عمیق‌تر در ارتباط باشند. باغ ایرانی نیز با بهره‌گیری از همین ساختارهای معنایی، فضاهایی را خلق می‌کند که به‌طور غیرمستقیم بازتاب‌دهنده همان مفاهیم موجود در شاهنامه هستند. برای نمونه، محورهای اصلی باغ‌ها و استفاده از تقارن، به‌نوعی بازتاب‌دهنده تلاش برای ایجاد عدالت و تعادل در جهان است. همچنین، استفاده از آب و گیاهان به‌عنوان عناصر حیاتی باغ، به بیان مفاهیم مرتبط با زندگی و تجدید حیات می‌پردازد. این هم‌پوشانی معنایی، نشان‌دهنده تعامل عمیق میان ادبیات و معماری در فرهنگ ایرانی است.

#### ۴-۵- نقش باغ ایرانی و شاهنامه در تقویت هویت ملی

شاهنامه و باغ ایرانی تمثیلی متمایز از فرهنگ ایرانی، نقش مهمی در تقویت و حفظ هویت ملی ایرانیان ایفاء می‌کنند. شاهنامه با روایت داستان‌های حماسی و ملی، هویت ایرانی را در برابر تغییرات اجتماعی و تاریخی محافظت کرده است. این اثر ادبی با تجسم ایده‌آل‌های فرهنگی و اخلاقی ایرانیان، به آن‌ها امکان می‌دهد تا هویت خود را در برابر تهدیدات و تحولات مختلف حفظ کنند. باغ ایرانی نیز به‌عنوان یک فضای نمادین و هنری، نقشی مشابه در حفظ هویت فرهنگی ایفاء می‌کند. طراحی‌های بی‌همتای این باغ‌ها، که از اصول معماری و هنری ویژه‌ای پیروی می‌کنند، بازتاب‌دهنده فرهنگ و تاریخ ایران هستند. باغ ایرانی به‌عنوان فضایی که تعادل میان طبیعت و معماری را به‌نمایش می‌گذارد، به یک نماد فرهنگی تبدیل شده است که همچنان مورد احترام و توجه قرار دارد. این اثر، با هم‌افزایی میان روایت‌های حماسی و طراحی‌های فضایی، به‌طور مشترک به تقویت و تثبیت هویت ملی ایرانیان کمک کرده‌اند. شاهنامه با تأکید بر داستان‌های قهرمانی و ارزش‌های اخلاقی و به‌طور خاص، باغ ایرانی با ایجاد فضاهایی که این مفاهیم را به‌صورت بصری و فضایی تجسم می‌بخشند، هر ۲ به تداوم هویت فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ یاری رسانده‌اند.

#### ۴-۶- تحلیل تطبیقی بینش‌های اسطوره‌ای در شاهنامه و باغ ایرانی

در شاهنامه، اسطوره‌ها و داستان‌های حماسی به‌عنوان پایه‌ای برای بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی استفاده می‌شوند. این اسطوره‌ها نه تنها به شکل روایت‌های داستانی، بلکه منظری از نمادهایی قدرت، شجاعت و خرد، در خدمت بیان ایده‌آل‌های فرهنگی ایرانیان قرار می‌گیرند. هر داستان و شخصیت اسطوره‌ای در شاهنامه دارای لایه‌های متعددی از معناست که به تفسیر و فهم عمیق‌تر فرهنگ ایرانی کمک می‌کند. باغ ایرانی نیز از این بینش‌های اسطوره‌ای بهره‌برداری می‌کند، اما به شیوه‌ای غیرمستقیم‌تر. طراحی باغ ایرانی، که به‌شدت تحت تأثیر نمادگرایی و فلسفه‌های اسطوره‌ای ایرانی قرار دارد، محیطی را خلق می‌کند که بازدیدکننده را به تأمل در مورد جایگاه انسان در جهان و ارتباط او با نیروهای طبیعی و



فوق طبیعی دعوت می‌کند. برای نمونه، عناصر طبیعی به مانند آب، درختان و کوه‌ها در طراحی باغ‌ها به گونه‌ای به کار گرفته می‌شوند که بازتاب‌دهنده مفاهیم اسطوره‌ای به مثابه جاودانگی، تولد دوباره و پیوند میان انسان و طبیعت باشند. این بینش‌های اسطوره‌ای در هر ۲ اثر، به عنوان ابزاری برای بازتاب و تقویت هویت فرهنگی ایرانیان عمل می‌کنند. درحالی که شاهنامه به طور مستقیم از طریق داستان‌های اسطوره‌ای این مفاهیم را منتقل می‌کند، باغ‌ایرانی از طریق تجربه فضایی و نمادین، بازدیدکنندگان را به درک عمیق‌تری از این مفاهیم دعوت می‌کند. این تعامل و هم‌افزایی میان شاهنامه و باغ‌ایرانی، نشان‌دهنده یک درک مشترک از جهان و جایگاه انسان در آن است که در طول قرون به حفظ و تقویت هویت ملی ایرانیان کمک کرده است.

#### ۴-۷- بررسی ارتباط معماری باغ‌ایرانی با مفاهیم اسطوره‌ای و روایات شاهنامه

معماری باغ‌ایرانی به طور عمیقی با مفاهیم اسطوره‌ای و روایات شاهنامه درهم آمیخته است. باغ‌ایرانی با طراحی‌های بی‌همتا و تبیین نمادهای طبیعی، تلاش می‌کند تا یک فضای سپند و اسطوره‌ای را بازآفرینی کند. این طراحی‌ها، که اغلب مبتنی بر تقارن و هندسه مقدس هستند، بازتاب‌دهنده مفاهیم اسطوره‌ای به مانند نظم کیهانی، تعادل میان نیروهای متضاد و بازتاب بهشت بر روی زمین می‌باشند. روایات شاهنامه، که اغلب در بسترهای طبیعی به سان کوه‌ها، جنگل‌ها و رودخانه‌ها رخ می‌دهند، در طراحی باغ‌ایرانی بازتاب یافته‌اند. برای نمونه، عناصر آب و گیاهان در باغ‌ها می‌توانند به نوعی بازتاب‌دهنده روایت‌های مرتبط با زندگی و مرگ و همچنین مبارزات میان خیر و شر باشند که در شاهنامه به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته‌اند. این بازتاب‌ها به گونه‌ای انجام می‌شوند که هر بخش از باغ به یک سمبول یا داستان اسطوره‌ای اشاره دارد. معماری باغ‌ایرانی همچنین تلاش می‌کند تا از طریق فضا سازی‌های خاص و تبیین عناصر طبیعی، بازدیدکننده را به نوعی تجربه معنوی دعوت کند که در آن بتواند به درک عمیق‌تری از مفاهیم اسطوره‌ای و فرهنگی دست یابد. بدین سان؛ باغ‌ایرانی به عنوان یک فضای معمارانه، نه تنها بازتاب‌دهنده مفاهیم اسطوره‌ای است، بلکه به طور فعالی در بازآفرینی این مفاهیم و تقویت ارتباطات فرهنگی نقش دارد.

#### ۴-۷-۱- تبیین کهن‌الگو (اسطوره‌شناسی)؛ در معماری باغ‌ایرانی

کهن‌الگو یا اسطوره باغ در تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف همواره جایگاهی ویژه و محوری داشته است. باغ به عنوان فضایی ساخته شده توسط انسان که طبیعت را به نظم درمی‌آورد، از گذشته‌های دور نمادی از بهشت، آسایش و پیوند با عناصر طبیعی بوده است. در فرهنگ ایرانی نیز باغ به منظور عنصری نمادین، همواره جلوه‌ای از آرمان شهر و بهشت زمینی بوده است. ایرانیان باستان باغ‌های خود را نه تنها برای بهره‌وری از طبیعت بلکه به عنوان بازتابی از کمال و هماهنگی میان انسان و جهان پیرامونشان می‌ساختند. یکی از ویژگی‌های اصلی کهن‌الگوی باغ‌ایرانی، تقارن و نظم است. این نظم هندسی بازتابی از تلاش انسان برای ایجاد تعادل میان دنیای مادی و معنوی بود. در طراحی این باغ‌ها، از تقارن‌های ۴بخشی استفاده می‌شد که نشان‌دهنده ۴ عنصر اساسی طبیعت: آب، خاک، هوا و آتش بود. این تقسیم‌بندی فضایی، هم‌زمان



نشان‌دهنده تلاشی برای بازتاب کمال و وحدت بود که در ادیان و فلسفه‌های مختلف نیز ریشه داشت. علاوه بر این، عنصر آب به‌عنوان نماد زندگی و باروری در باغ‌ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشت. جریان‌های آب در باغ‌ها نه تنها زیبایی طبیعی را به‌وجود می‌آورد بلکه نمادی از جریان زندگی و پیوندی میان جهان‌های مادی و معنوی بود. در برخی فرهنگ‌ها، باغ به‌سان دروازه‌ای به عالم بالا نیز تلقی می‌شد، جایی که انسان می‌توانست در آن به آرامش و رضایت برسد (یمینی، علی‌محمدی، بذرافکن، ۱۳۹۹: ۲۸-۱۷). وجوه کهن‌الگوی باغ‌ایرانی، در زمینه فرهنگ و معماری ایرانی، به‌عنوان نمادی از هماهنگی و رابطه ایده‌آل بین انسان و طبیعت مطرح می‌شود. این باغ‌ها نه تنها مکانی زیبا برای آرامش و تفریح هستند، بلکه به‌عنوان بازتابی از نظم کیهانی و ارتباط انسان با جهان هستی عمل می‌کنند. در باغ‌های ایرانی عناصر نمادینی به‌مانند آب (نمایان‌گر زندگی)، گیاهان (نشانه رشد و زایش) و الگوهای هندسی منظم (نمایان‌گر تعادل و هماهنگی)، به‌کار رفته است. ساختار این باغ‌ها معمولاً به صورت «۴باغ»، طراحی می‌شود، به‌گونه‌ای که فضا به ۴بخش تقسیم می‌گردد و این ۴بخش نمادی از ۴عنصر اصلی طبیعت یا ۴فصل سال است. به‌طور مشخص، این الگو در معماری ایرانی به صورت مدولار دیده می‌شود و نشان‌دهنده پیوند عمیق میان مفاهیم مادی و معنوی در فرهنگ و هنر ایرانی است (یمینی، علی‌محمدی، بذرافکن، ۱۴۰۱: ۱۶-۵).

#### ۴-۷-۲- کهن‌الگو و روایات‌شناسی تاریخی باغ‌های اسطوره‌ای

باغ‌های اسطوره‌ای همواره نقشی برجسته در فرهنگ‌های کهن ایفاء کرده‌اند و به‌سان نمادی از بهشت و نظم کیهانی در بسیاری از اسطوره‌ها و روایت‌های فرهنگی ظاهر شده‌اند. این باغ‌ها در باورهای اسطوره‌ای، محلی برای تجلی پیوند میان زمین و آسمان، انسان و خداوند و نماد هماهنگی میان طبیعت و فرهنگ هستند. از کهن‌الگوهای اصلی باغ در اسطوره‌ها می‌توان به باغ‌های عدن، ارم و الحمراء اشاره کرد که هر کدام نماد بهشتی گمشده یا وعده‌ای الهی هستند. معماری این باغ‌ها غالباً شامل: عناصر سمبلیک و نمادینی بوده است که مفهوم توازن و جاودانگی را القاء می‌کردند. این ویژگی‌ها همگی به‌نوعی بیان‌گر تلاش انسان برای دستیابی به یک حالت ایده‌آل و بازنمایی از بهشت گمشده هستند. در روایات‌شناسی باغ‌های اسطوره‌ای، باغ‌ها نه تنها به‌جهت فضایی فیزیکی بلکه به‌سان عرصه‌ای نمادین برای بیان پیچیدگی‌های زندگی و مرگ، فنا و بقاء تلقی می‌شوند. از طریق عناصر باغ به‌مانند آب، درخت، مسیرها و ساختارهای فضایی، اسطوره‌های مرتبط با تولد، مرگ و بازگشت به زندگی بازگو می‌شوند. این کهن‌الگوهای باغ‌ها به‌عنوان الگویی ماندگار در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی حضور داشته‌اند و نقش مهمی در شکل‌دهی به فضاهای شهری و معماری آن دوران ایفاء کرده‌اند (اصغرزاده، ۱۴۰۱). از منظر روایات‌شناسی، باغ‌های اسطوره‌ای همچنین به‌عنوان تجلی یک کهن‌الگو از جهان آرمانی دیده می‌شوند. آن‌ها نمادی از نظم کیهانی و تعادل میان نیروهای متضاد طبیعت و فرهنگ هستند. این ویژگی‌ها به‌ویژه در دوران‌های مختلف و از جمله در باغ‌های دوران اسلامی، به شکل‌گیری نوع خاصی از معماری منجر شد که ترکیبی از عناصر طبیعی و معنوی را در کنار هم به‌نمایش می‌گذاشت و این سنت در معماری معاصر نیز به شیوه‌های



مختلفی بازتاب پیدا کرده است (محمدی، اصغرزاده، ۱۳۹۶: ۸۰-۷۱). برای ارائهٔ تحقیق‌نهایی یافته‌های پژوهش، می‌توان برپایهٔ (شکل ۳)، موارد موردواکوی را با تبیین ژرف و سازمان‌دهی شده ارائه داد. به‌طورمشخص این شکل، بینش‌های اصلی را درارتباطبا تقابل‌های ۲گانه، الگوهای قهرمانی، بازنمایی طبیعت، ساختارهای معنایی، تقویت هویت‌ملی، بینش‌های اسطوره‌ای و ارتباط معماری باغ‌ایرانی با مفاهیم اسطوره‌ای و شاهنامه را بازنمایی می‌کند.



شکل ۳: تدقیق‌نهایی یافته‌های پژوهش حاضر- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

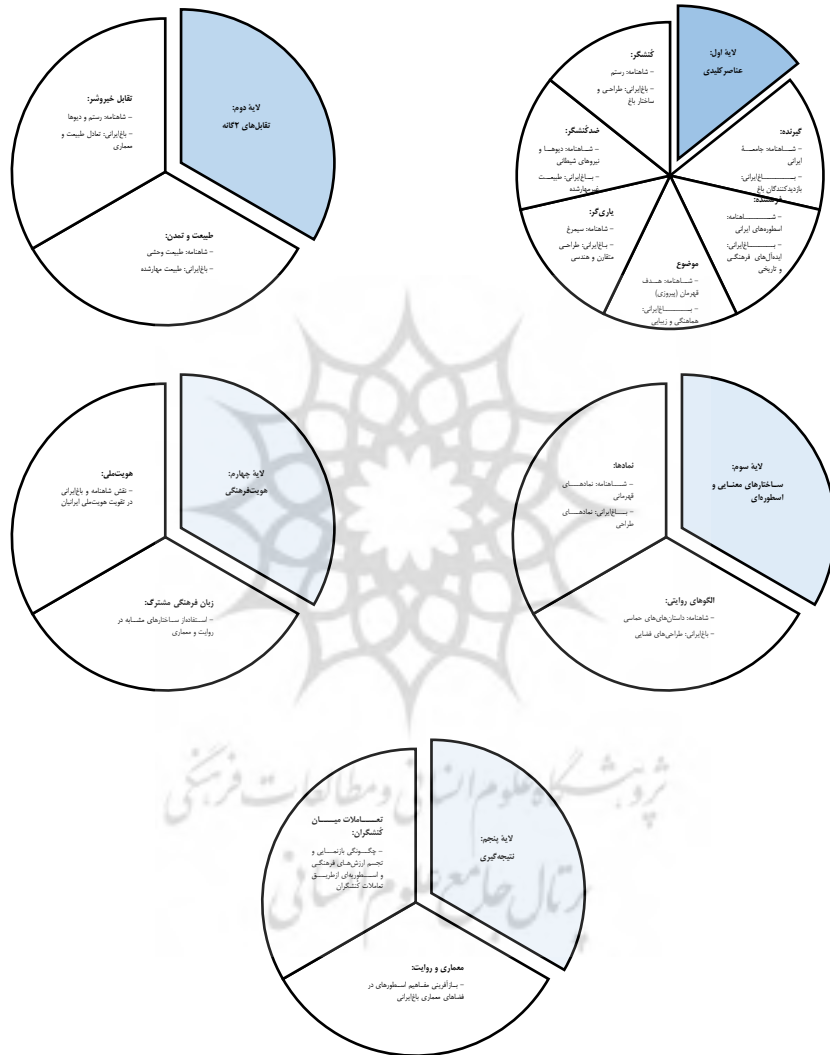
## ۵- بحث

به‌طورخاص دراین پژوهش، تحلیل ساختارهای روایی شاهنامه و باغ‌ایرانی با استفاده از نظریهٔ کُنشگر- (ان)، گرماس نشان داد که این ۲ اثر، به‌رغم تفاوت‌های ظاهری، ساختارهای روایی مشابهی را به‌کار می‌گیرند. براساس نظریهٔ گرماس، می‌توان شاهنامه و باغ‌ایرانی را به‌عنوان روایت‌هایی دانست که در آن‌ها کُنشگران مختلفی در تعامل بایکدیگر برای دستیابی به اهداف مشخصی عمل می‌کنند. دراین چارچوب، شاهنامه به‌عنوان یک حماسهٔ ملی، از کُنشگرانی نظیر: قهرمان (همچون رستم)، ضدکُنشگر (همچون دیوها و نیروهای شیطانی)، و یاری‌گران (همچون سیمرغ)، بهره می‌برد. این کُنشگران در تعامل بایکدیگر، به‌خلق داستان‌هایی می‌پردازند که هویت‌فرهنگی و ارزش‌های ملی را تقویت می‌کنند. -/- در بررسی تقابل‌های ۲گانه در شاهنامه و باغ‌ایرانی، می‌توان از مفهوم تقابل‌های کُنشگران استفاده کرد. به‌عنوان نمونه، در

شاهنامه، تقابل بین قهرمانان و ضدقهرمانان یکی از ارکان اصلی روایت است. این تقابل‌ها، که به شکلی نمادین بین نیروهای خیر و شر شکل می‌گیرد، در باغ ایرانی نیز به صورت نمادین بازتاب یافته است. طراحی‌های متقارن و هندسی باغ‌ها، که نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل و هماهنگی میان نیروهای متضاد است، به نوعی بیان‌گر همان تقابل‌های ۲گانه در ساختارهای روایی شاهنامه می‌باشند. این تقابل‌ها نه تنها به عنوان عناصر زیبایی‌شناختی در باغ‌های ایرانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بلکه به عنوان نمادی از فلسفه زندگی ایرانیان در ارتباط با طبیعت و فرهنگ نیز عمل می‌کنند. -/ - نقش الگوهای قهرمانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی را نیز می‌توان بر اساس نظریه گرماس تحلیل کرد. در این راستا، قهرمانان شاهنامه، که به عنوان کنشگرانی فعال در مقابل ضدکنشگران عمل می‌کنند، وظیفه‌ای مهم در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی برعهده دارند. این قهرمانان با انجام کنش‌های قهرمانانه، همواره در تلاشند تا مانع از دستیابی ضدکنشگران به اهداف شرورانه شوند و ارزش‌های مثبت فرهنگی به مانند شجاعت، وفاداری و عدالت را ترویج دهند. در باغ ایرانی نیز، این الگوهای قهرمانی به طور غیرمستقیم در طراحی باغ‌ها حضور دارند. به عنوان نمونه، طراحی‌های خاصی که نمادهایی از قدرت و استقامت را در خود جای داده‌اند، به نوعی اشاره به همان الگوهای قهرمانی دارند که در شاهنامه مطرح شده‌اند. -/ - بازنمایی طبیعت در شاهنامه و باغ ایرانی نیز از منظر نظریه گرماس قابل تحلیل است. در این تحلیل، طبیعت به عنوان یک کنشگر در روایت‌ها ظاهر می‌شود که با سایر کنشگران (به مانند انسان‌ها، حیوانات و حتی نیروهای ماورایی)، در تعامل است. در شاهنامه، طبیعت گاه به عنوان حامی قهرمانان عمل می‌کند و گاه به عنوان چالشی که باید بر آن غلبه کرد. در باغ ایرانی نیز، طبیعت به عنوان یک کنشگر کلیدی حضور دارد که با سایر عناصر معماری در تعامل است تا یک فضای معنوی و هماهنگ را ایجاد کند. این کنشگران طبیعی در باغ ایرانی، همانند شاهنامه، به خلق یک تجربی معنوی و فرهنگی می‌پردازند که در آن طبیعت و فرهنگ به عنوان ۲ نیروی مکمل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. -/ - ساختارهای معنایی مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی نیز بر اساس نظریه گرماس نشان می‌دهند که این ۲ اثر از یک چارچوب روایی مشابه استفاده می‌کنند. این ساختارها، که در قالب تقابل‌های ۲گانه، تعامل کنشگران مختلف، و روایت‌های پیچیده بازتاب می‌یابند، به نوعی نشان‌دهنده یک زبان فرهنگی مشترک میان شاهنامه و باغ ایرانی هستند. این زبان مشترک، به کمک نمادها و الگوهای معنایی مشابه، به تقویت هویت فرهنگی ایرانیان کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این ۲ اثر، هر یک به نوبه خود، به حفظ و تقویت فرهنگ ایرانی پرداخته‌اند. -/ - در نهایت، ارتباط معماری باغ ایرانی با مفاهیم اسطوره‌ای و روایات شاهنامه بر اساس نظریه گرماس می‌تواند به عنوان یک تعامل پیچیده میان کنشگران مختلف تحلیل شود. در این تحلیل، عناصر مختلف باغ ایرانی (به مانند آب، درختان، و فضاهای باز)، به عنوان کنشگران روایتی عمل می‌کنند که با مفاهیم اسطوره‌ای و داستان‌های شاهنامه در تعامل هستند. این تعاملات، که به طور نمادین در طراحی و ساختار باغ‌های ایرانی بازتاب یافته‌اند، به نوعی بازآفرینی داستان‌های شاهنامه در یک فضای معماری است. این فضاهای معماری نه تنها به عنوان مکان‌هایی زیبا و



آرامش بخش، بلکه به عنوان عرصه‌هایی برای تجربه و بازآفرینی مفاهیم فرهنگی و اسطوره‌ای عمل می‌کنند. به طور مشخص می‌توان برپایه (شکل ۴)، دیاگرام تصویری در تبیین بحث پژوهش می‌توان مدنظر داشت.



شکل ۴: دیاگرام تصویری مورد پژوهی حاضر - (نگارندگان، ۱۴۰۳)





۱- افزایش همکاری‌های بین‌المللی با مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های خارجی برای تبادل دانش، به‌کارگیری روش‌های جدید پژوهشی و دسترسی به منابع علمی تازه در زمینه مطالعات فرهنگی و تاریخی ایران.

← گسترش مطالعات تجربی در بازسازی و احیای باغ‌های تاریخی؛

۱- اجرای مطالعات تجربی بیشتر در زمینه بازسازی و احیای باغ‌های ایرانی با استفاده از بررسی‌های دقیق تاریخی و فناوری‌های نوین به‌منظور حفظ اصالت این فضاها.

← تحلیل بیشتر نقش عناصر طبیعی در انتقال مفاهیم فرهنگی؛

۱- انجام تحقیقات عمیق‌تر بر روی نقش عناصر طبیعی و نمادپردازی‌های محیطی در باغ‌های ایرانی و متون ادبی کلاسیک به‌مانند شاهنامه، جهت شناخت تأثیر محیط طبیعی بر انتقال مفاهیم فرهنگی.

← ایجاد برنامه‌های آموزشی تخصصی برای تحلیل‌های فرهنگی؛

۱- طراحی و برگزاری دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی تخصصی در دانشگاه‌ها که بر تحلیل ساختارهای معنایی در ادبیات و هنر ایرانی با استفاده از نظریه‌های مدرن متمرکز باشد، به‌منظور تربیت متخصصان در این زمینه.

## ۷- پی‌نوشت‌ها

1. Algirdas Julien Greimas
2. Julia Kristeva
3. Roland Barthes
4. Pierre Bourdieu
5. Mohammad-Ali Eslami Nodooshan
6. Mohammad Dabdabeh/Dabdabeh Architect
7. Hossein Parvin
8. Heshmatollah Motedayen
9. Fazlollah hasanvand
10. Mohammad-Ali Mahmoodi
11. Fatemeh Savab
12. Elham Saadat
13. Mohsen Mohammadi Fesharaki
14. Hossein Soltanzadeh

## منابع

- ابوطالب، نرگس. ۱۳۹۸. *خوانش ساختار روایی در معماری باغ ایرانی و داستان‌های تراژیک شاهنامه فردوسی*، مازندران: احمدی، حسین. ۱۳۹۹. *از تاریخ فرهنگ تا تاریخ فرهنگی*، فصلنامه علمی پژوهشی-راهبرد فرهنگ، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۱۷۰-۱۴۳.
- اسلامی‌نوشن، محمدعلی. ۱۳۸۶. *ایران را از یاد نبریم به‌همراه: به دنبال سایه همای*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات یزدان.

- اصغرزاده، علی. ۱۴۰۱. *برداشت معنایی؛ رواق هنر در خیابان ولیعصر (عج)*. تهران: رسانه معماری داخلی ایران: فضای نو.
- ایروانی، محمدرضا، حسینی، یحیی. ۱۴۰۲. *روایت‌شناسی داستان کشته‌شدن ایرج در شاهنامه براساس نظریه ساختگرای گریماس*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات زبان و ترجمان نظامی، دوره ۲، شماره ۴، ۳۲-۱.
- براتی، ناصر. آل‌هاشمی، آیدا. میناتورسجادی، آرمان. ۱۴۰۱. *جهان‌بینی ایرانیان و شکل‌گیری الگوی محوری باغ ایرانی*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۹، شماره ۴۱، ۱۵-۶.
- پروین، حسین. متدین، حشمت‌الله. ۱۴۰۱. *خوانش باغ ایرانی در مینیاتور، باتاکیدبر مینیاتورهای شاهنامه بایستقری*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۱۴، شماره ۵۹، ۱۹-۶.
- حسوند، فضل‌الله. و [دیگران]. ۱۴۰۱. *ارتباط اجتماعی خردمندان؛ بازتعریف مفهوم ارتباط در فرهنگ ایرانی مبتنی بر شاهنامه فردوسی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-شناخت اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، ۳۶-۲۵.
- حقایق، آذین. سجودی، فرزانه. ۱۳۹۴. *تحلیل معناشناختی ۳ نگاره از شاهنامه فردوسی براساس الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر*، نشریه علمی پژوهشی-هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۰، شماره ۷، ۱۲-۵.
- دبده، محمد. ۱۴۰۰. *دست‌نوشته‌های از مجموعه آثار معمار دبده (فضا-معنا در بازنمایی هویت ایرانی)*، تهران: سعادت، الهام. محمدی فشارکی، محسن. ۱۳۹۹. *واکاوی مفهوم انسان‌شنا سانه وطن در شاهنامه (براساس تحلیل ساختارهای مکان)*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲؛ (پیاپی ۲۰)، ۱۵۵-۱۷۷.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۶. *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*، ویراستار: بابک مختار، چاپ‌اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عزیزی‌قهرودی، مهرداد. عسگری، علی. ۱۴۰۱. *پدیدارشناسی باغ ایرانی براساس نظریه روان‌شناختی ادراک گشتالت (نمونه موردی: باغ سازده‌ماهان)*، نشریه علمی پژوهشی-هنر و تمدن شرق، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۵۶-۴۵.
- علامی، ذوالفقار. حیدری، آرزو. ۱۳۹۶. *بررسی گفتمان روایی در شاهنامه فردوسی*، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه ادب حماسی، دوره ۱۳، شماره ۱؛ (پیاپی ۳۳)، ۱۳۵-۱۱۵.
- فاطمی، مهدی. ۱۴۰۱. *انعطاف‌پذیری، ویژگی بارز باغ ایرانی برای بهره‌گیری از آن در دوره معاصر*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۱۴، شماره ۵۸، ۱۹-۶.
- فرزین، احمدعلی. ۱۳۹۳. *باغ بر بنیاد شاهنامه فردوسی*، فصلنامه علمی پژوهشی-منظر، دوره ۶، شماره ۲۷، ۱۳-۸.
- قنبری‌عبدالملکی، رضا. فیروزیان پوراصفهانی، آیلین. ۱۳۹۹. *بررسی تطبیقی آرای پراب با گرماس و برمون در باب روایت از منظر ساخت‌گرایی*، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ۳۳۳-۳۰۱.
- محمدی، علی. اصغرزاده، علی. ۱۳۹۶. *پرسپکتیو شناختی و استعاره‌های زبانی در معماری معاصر ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی-هویت شهر، دوره ۱۱، شماره ۳۱، ۸۰-۷۱.
- محمودی، محمدعلی. ثواب، فاطمه. ۱۴۰۱. *ساختار روایی و معنایی متون ادبی (نشانه‌شناسی روایی گریماس)*، چاپ‌اول، زاهدان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ورمقانی، حسنا. ۱۳۹۶. *خوانش تطبیقی مفاهیم عرفانی در شاهنامه فردوسی و معماری ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی-عرفانیات در ادب فارسی، دوره ۸، شماره ۳۳، ۳۷-۱۱.



- ورمقانی، حسنا. پاکزاد، شادی. ۱۴۰۱. *خوانش تطبیقی ۲ نمود فرهنگی؛ شاهنامه فردوسی و معماری قرن ۱۵ هجری*، بانمركزبر خراسان بزرگ، فصلنامه علمی پژوهشی-اثر، دوره ۴۳، شماره ۱، ۱۰۰-۸۲.
- هوشنگی، مجید. ۱۴۰۲. *بررسی بینامتنی دلالت‌های بازآفرینی شاهنامه فردوسی در تاریخ نگاری جوینبی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی-تاریخ ادبیات، دوره ۱۶، شماره ۱؛ (پیاپی ۸۷/۱)، ۹۹-۷۹.
- یمینی، ستاره. علی محمدی، پریسا. بذرافکن، کاوه. ۱۳۹۹. *تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای؛ انطباق طرح معماری پایانه بندری «یوکوهاما»*، با کهن‌الگوی باغ ایرانی، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۷، شماره ۸۶، ۲۸-۱۷.
- یمینی، ستاره. علی محمدی، پریسا. بذرافکن، کاوه. ۱۴۰۱. *نقش تجربه زیسته طراحان در باززمایی کهن‌الگوهای معماری (نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج از کشور)*، نشریه علمی پژوهشی-باغ‌نظر، دوره ۱۹، شماره ۱۱۱، ۱۶-۵.
- Amani Beni, Majid., et al. 2021. *Socio-Cultural Appropriateness Of The Use Of Historic Persian Gardens For Modern Urban Edible Gardens*, Journal Of Land, 11(38): 1-29.
- Barthes, Roland. 1957. *Mythologies*, Les Lettres Nouvelles Publisher, First Edition.
- Bourdieu, Pierre. 1984. *Distinction: A Social Critique Of The Judgement Of Taste*, USA: Harvard University Press Publisher, Illustrated Edition.
- Davis, Dick. 2016. *Shahnameh: The Persian Book Of Kings*, New York: Penguin Classics Publications, Third Edition.
- Floch, Jean-Marie. 2001. *Visual identities*, London; New York: Continuum Publications, First Edition.
- Ghandeharion, Azra. Mousavi Tekiyeh, Maryam-Sadat. 2019. *Ideology Behind The Covers Of The Bestselling Books In Iran: Female Narrators In War Literature*, Frontiers: A Journal of Women Studies, 40(1): 146-175.
- Greimas, Algirdas Julien. 1966. *Semantique Structurale: Recherche De Methode*, Paris: Éditions Larousse Publications, First Edition.
- Greimas, Algirdas Julien. 1983. *Structural Semantics: An Attempt At A Method*, London: University Of Nebraska Press Publications, First Edition.
- Hillmann, Michael Craig. 2021. *Ferdowsi's Shāhnāmeh Narratives As Epic Episodes: A Case Study*, USA.
- Kristeva, Julia. 1980. *Desire in Language: A Semiotic Approach To Literature And Art*, Editor: Leon Samuel Roudiez, New York: Columbia University Press Publisher, Third Edition.
- Mahmoudi Farahani, Leila. Motamed, Bahareh. Jamei, Elmira. 2016. *Persian Gardens: Meanings, Symbolism, And Design*, Journal Of Landscape Online 46(1): 1-19.
- Yusoff Abbas, Mohamed. Nafisi, Nazanin. Nafisi, Sara. 2016. *Persian Garden, Cultural Sustainability And Environmental Design Case Study Shazdeh Garden*, Journal Of Procedia-Social And Behavioral Sciences, 222(1): 510-517.